

حوزه های نقد در طنزهای سعید بیابانکی

علی اکبر شبیانی جم^۱، مصطفی گرجی^۲

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشیار دانشگاه پیام نور تهران، ایران

gorjim111@yahoo.com

چکیده

در این پژوهش ابعاد نقد در حوزه نهادهای اجتماعی در سه مجموعه طنز بیابانکی یعنی «ضدحالات»، «هی شعر تر انگیزد» و «سکته ملیح» بررسی می‌شود. برای این منظور آثار وی و سپس مجموعه‌های وی بر مبنای نهادهای اجتماعی تحلیل می‌شود. بیابانکی را باید منتقد اجتماعی و نویسنده‌ای دانست که از لحاظ تفکر و شیوه‌ی نگاه به مسائل بسیار روشن بین و آزاداندیش است. وی یک طنزپرداز اجتماعی - اخلاقی محسوب می‌شود. هر اتفاق و رویدادی که مرتبط و در پیوند با زندگی اجتماعی اقشار مردم باشد موضوع طنز بیابانکی قرار گرفته است. شیوه تحقیق توصیفی - تحلیلی است و نتایج تحقیق بر مبنای داده‌های کمی و کیفی بررسی می‌شود.

بیابانکی درست مانند شهروندی که هر روز و هر لحظه در بطن و متن اجتماع حاضر است و با دقت و تیزبینی و بسیار موشکافانه به امور اطراف خود توجه دارد. با مطالعه‌ی آثار او در تمام نهادهای اجتماعی و ابعاد نقد مشخص می‌شود که در مجموعه ضدحالات نهاد حقوقی و سیاسی، در مجموعه هی شعر تر انگیزد سیاست و اقتصاد و در سکته ملیح سیاست و اخلاق بیشترین انتقادات داشته است. از طرف دیگر کمترین طنزها در ارتباط با نهاد دینی است.

واژه‌های کلیدی: طنز، نقد، نهادهای اجتماعی، سعید بیابانکی.

۱- مقدمه

«سعید بیابانکی به سال ۱۳۴۶ ه. ش در خمینی شهر اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند و در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. از سال ۱۳۶۴ هجری به اهالی آباد سرسبز شعر و ادب پیوست و آثارش در صفحات ادبی مطبوعات کشور به چاپ رسیده است.» (کافی، ۱۳۸۸: ۷۰۱)

بزرگترین دغدغه‌ی فکری بیابانکی در این آثار، رفاه و آسایش طبقات مختلف جامعه است ضمن اینکه نگاه او به طبقات پایین تر و افراد کم درآمد مردم عمیق تر و مسئولانه تر است. هر مشکل و کمبودی که در هر زمینه‌ای از زندگی این افراد وجود داشته موضوع طنز بیابانکی قرار گرفته است. از مسأله‌ی عام و فراگیر گرانی و تورم گرفته تا کمبود امکانات شهری و... در این آثار مطرح شده است. همچنین مسائل خاص فرهنگی و اخلاقی نیز مطرح شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. توجه به مشکلات و کمبودهای جامعه تا حدی است که در اغلب اشعار به بیش از دو یا چند مسأله اشاره می‌کند و بسیاری از مسائل طرح شده را به کرات تکرار می‌کند تا شاید از طریق این تکرار مکرر اهمیت و جایگاه خاص مسأله را یادآور شود.

شاید به عنوان دلیل این تنوع موضوعات بتوان اوضاع خاص آن زمان را هم در نظر گرفت. به هر حال این آثار متعلق به دوره‌ای است که از بحرانی ترین و سخت ترین دوران تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. در واقع باید گفت که مشکلات و کمبودهای فراوان اجتماعی و فرهنگی در این دوران به قدری زیاده بوده که باعث تعدد و تنوع موضوع در این آثار شده است.

با این تحقیق، اولاً حوزه‌هایی که طنزپردازان به نقد آنها مایلند و در مقابل حوزه‌هایی که جزو خطوط قرمز حاکمیت است به طور واضح، مشخص می‌گردد تا راه برای ورود بی‌دغدغه‌ی هنرمندان جوان به این عرصه هموار شود و ثانیاً گریزگاه‌های طنزپردازان که با هنر و نبوغ خود سعی کرده‌اند هم به رسالت هنری خود عمل کنند و هم حساسیت جامعه و حاکمیت سیاسی را برانگیخته نکنند بررسی می‌شود تا فهم بهتر آثار آنها سبب ارتقای کیفی و کمی آثار تازه‌ی شعر طنز معاصر گردد و همچنین با بررسی محتوایی و فنی و ادبی اشعار سعید بیابانکی گامی در جهت تحلیل زیبایی شناختی شعر طنز معاصر برداشته می‌شود.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات: کتابخانه‌ای است و با روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: انتقادی و تحلیلی این پژوهش انجام می‌شود. قلمرو تحقیق شامل ادبیات انقلاب اسلامی / شعر معاصر / طنز معاصر می‌باشد.

۲- چارچوب نظری پژوهش

۲-۱- طنز؛ ماهیت و تعاریف

امروزه طنز نوع ادبی بسیار مهم و بحث برانگیزی است و در میان انواع ادبی دیگر جایگاه ممتاز و مشخصی دارد؛ با وجود این، در ادبیات کهن ایران، طنز به عنوان نوع ادبی مستقل شناخته نشده است و مرز مشخصی با دیگر مضامین انتقادی و خنده آمیز چون هجو و غیر آن ندارد. همچنین از واژه طنز اغلب معنای لغوی آن یعنی تمسخر کردن و طعنه زدن مدنظر شاعران و نویسندگان است. اما در ادب معاصر ایران طنز به معنای امروزی خود که جنبه انتقاد غیرمستقیم اجتماعی با چاشنی خنده که بعد تعلیمی و اصلاح طلبی نیز دارد، نزدیک شده است. در حقیقت طنز معاصر از معادل انگلیسی طنز (satire) که ریشه یونانی (satyros) دارد، اخذ شده است. (صلاتی، ۱۳۸۵: ۱۴۰) به این اعتبار، نویسنده یا شاعر با بزرگ نمایی و نمایان تر جلوه دادن جهات زشت و منفی و معایب و نواقص پدیده‌ها و روابط حاکم در حیات اجتماعی در صدد تذکر، اصلاح و برطرف کردن آنها بر می‌آید. طنز (Satire) یا حد اقل طنز اجتماعی در ادبیات ایران، پدیده‌ای ناآشنا به حساب نمی‌آید و در آثار عبید زاکانی و حافظ، گونه‌های مختلفی از آن دیده می‌شود. ارائه‌ی تعریف دقیق، جامع و مانع برای طنز، چندان آسان به نظر نمی‌رسد. این دشواری از یک طرف به علت ماهیت، ساختار و کارکرد پیچیده‌ی آن است و از طرف دیگر به مرز باریک و عموماً لغزنده‌ی این مفهوم با مفاهیم مشابه آن همچون هزل، هجو، فکاهی و... مربوط می‌شود. از سوی دیگر، تعیین معادل‌های مناسب فارسی برای این حوزه‌ی وسیع واژگانی، کار تعریف و تعیین چارچوب برای این مفهوم را با آشفتگی و سردرگمی روبه‌رو ساخته‌است. برای مثال، واژه‌ی انگلیسی Satire در ترجمه‌ی فارسی، معادل‌های گوناگونی، همچون هجو، هزل و طنز را پذیرفته‌است. استعمال کلمه‌ی طنز برای انتقادی که به صورت خنده‌آور و مضحک بیان شود، در فارسی معاصر سابقه‌ی طولانی ندارد. هر چند که طنز در تاریخ بیهقی و دیگر آثار قدیم زبان فارسی، به کار رفته‌است، ولی استعمال وسیعی به معنی فعلی کلمه و یا بهتر بگوئیم معنی Satire اروپایی نداشته‌است. کلمه‌ی Satire که از زبان یونانی می‌آید، در اکثر زبان‌های اروپایی معنای واحدی دارد و اصولاً به آثار طنز آمیز و انتقادی اطلاق می‌شود. در فارسی، عربی و ترکی، کلمه‌ی واحدی که دقیقاً این معنی را در هر سه زبان برساند، وجود نداشته‌است.

سابقاً در فارسی، «هجو» به کار برده می‌شد که بیشتر جنبه‌ی انتقاد مستقیم و شخصی دارد و جنبه‌ی غیرمستقیم و طنز آمیز بودن «ساتیر» را دارا نیست و اغلب آموزنده و اجتماعی هم نیست. هجو ضد مدح است و اصولاً صراحت لفظی که در آن است، نمی‌تواند نظیر لحن طنز آمیز «ساتیر» باشد. در فارسی «هزل» را نیز به کار برده‌اند که ضد «جد» است و بیشتر جنبه‌ی مزاح و مطایبه دارد. (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۱) به تعبیر آراین‌پور آن نوع ادبی که در زبان غربی Satire نامیده می‌شود و در فارسی طنز اصطلاح شده است، عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویری هجو آمیز از جهات زشت و منفی و ناجور زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورت اغراق آمیز، یعنی زشت تر و بد

ترکیب‌تر از آنچه هست، نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آن‌ها روشن‌تر و نماین‌تر جلوه کند و تضاد عمیق وضع موجود، با اندیشه‌ی یک زندگی عالی آشکار گردد. بدین ترتیب قلم طنزنویس با هر چه که مرده و کهنه و واپس مانده‌است و با هر چه که زندگی را از ترقی و پیشرفت باز می‌دارد، بی‌گذشت و اغماض مبارزه می‌کند. (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۳۶)

۲-۲- هدف و خاستگاه طنز

اصولاً خاستگاه طنز از آنجا آغاز می‌شود که حقوق دیگران رعایت نشود و آزادی توأم با مسولیت مورد تعدی قرار گیرد و بی‌بند و باری و هرج و مرج به عنوان آزادی تبلیغ شود و نظام جامعه در مسیر طبیعی خود مورد تهدید قرار گیرد، ستم و تجاوز در اشکال گوناگون چهره نماید و منادیان آزادی، خود عاملان بدبختی فکر و اندیشه و آزادی شوند و ترقی و اعتلا جای خود را به انحطاط و سقوط دهد و پویایی اندیشه و حرکت ناشی از آن، اندک اندک به رکود انجامد.

زرین کوب در این خصوص می‌نویسد: «هریک از نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌ها، ممکن است سببی برای پیدایش هجو، هزل یا طنز اجتماعی باشد. طنز هرچند با شوخی و خنده همراه است، اما؛ نقدی جدی بر نارسایی‌ها و اشکالات اجتماعی است که قصد سازندگی و اصلاح دارد نه سوزندگی و تخریب.» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۳۵) همچنین آرین‌پور در نقد بودن طنز می‌نویسد: «طنز نویسی بالاترین درجه نقد ادبی است به شرط اینکه حوادث و چهره‌ها را دگرگون نکند.» (آرین‌پور، ۱۳۵۱: ۳۶) و نیز در خنده ناک و شوخ طبعی بودن آن می‌نویسد: «مبنای طنز بر شوخی و خنده است، اما؛ این خنده، خنده شادمانی و شوخی نیست؛ خنده‌ای است تلخ، جدی و دردناک همراه با سرزنش و سرکوفت و کمابیش زنده و نیشدار که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و در مقام تشبیه می‌توان گفت قلم طنز نویس کارد جراحی است نه چاقوی آدم‌کشی. با همه تیزی و برندگیش، جانکاه، مودبی و کشنده نیست؛ بلکه آرام بخش و سلامت آور است. زخم‌های پنهانی را می‌شکافد و عفونت را می‌زداید و بیمار را بهبود می‌بخشد.» (آرین‌پور، ۱۳۵۱: ۳۷)

«متأسفانه، در چهارده قرن گذشته، اغلب زمامداران، آرامش روح و شادمانی خاطر خویش را در کسب تعلقات دنیوی می‌جستند و با ریختن خون بی‌گناهان و بردن عرض و آبروی دیگران بر مسند قدرت قرار می‌گرفتند و خداوند، دین، عدالت و اخلاق، ابزار و وسایلی می‌شدند در دست آنان، برای فریب دادن مردم مظلوم.» (اندوه‌جردی، ۱۳۷۸: ۱۴)

۲-۳- زمینه‌های طنز

۲-۳-۱- **طنز و زمینه‌ی جامعه شناختی آن:** هرگز نباید جایگاه جامعه شناختی طنز از نظر دور داشته شود، اغراق نیست، اگر طنزپرداز را یک جامعه‌شناس و طنز را یکی از ضرورت‌های اجتماعی معرفی کنیم،

اصولاً منبع الهام اغلب هنرمندان و شاعران طنزپرداز را می توان در عوامل محیطی روزگارشان جست و جو کرد. در واقع بسیاری از آثار هنری و ادبی زاینده ی زندگی اجتماعی هنرمند و شاعری و طنز پرداز است، که در آن محیط رشد کرده و بالیده است. اگر شعر و طنز ندای احساس شاعر و بازتاب افکار و اعتقاد او می باشد، محرک این احساس ها و اندیشه ها، زمان و مکان زندگی و زمان و مکان زندگی شاعر و طنزپرداز است. بنابراین اندیشه ی هنرمند و شاعر طنزپرداز منبعت از محیط زندگی و زمان حیات آنها بستگی دارد. (زرین کوب؛ ۱۳۷۲: ۷۶-۷۵) پس باید توجه داشت که محیط ادبی از تأثیر محیط اجتماعی برکنار نیست.

۲-۳-۲- طنز و زمینه های اخلاقی آن: طنز با طعنه و کنایه بر خلق و خوی ناشایست آدمی، رفتارهای زشت او را مورد تمسخر قرار می دهد، همیشه به این نکته باید توجه داشت، که چگونه کردار انسان نیک و پسندیده می گردد، در واقع، طنز شناسنده اخلاق نیک انسانی است؛ زیرا عاطفه ها خواهش های نفسانی، خشم اجتماعی و کینه توزی های سیاسی عاملی برای پدیدار گشتن طنز می باشد از این رو طنز حیثه ی فعالیت های خود را متمرکز بر اصول اخلاقی کرده، ابتدال و کج روی اخلاقی را مورد نقد و بررسی قرار می دهد، و طنزپرداز در جامعه با صحنه های زشت و ضد اخلاقی مواجه می گردد، و منقلب شده و متناسب با گستردگی و شدت خطا و لغزش احساس های گوناگون خشم، انزجار، انکار، تحقیر را نسبت به شخص یا گروه خاصی ابراز می دارد، و این امر زمانی اتفاق می افتد که وجدان طنزپرداز درباره ی پلیدی و زشتی امری داوری می کند. همین امر باعث شکوفایی جنبه های ادبی و هنری طنز می شود. (سیاسی؛ ۱۳۳۷: ۶۶)

۲-۳-۳- طنز و زمینه های تاریخی آن: هیچگاه نباید جایگاه تاریخی طنز از نظرها دور داشته شود؛ زیرا در برخی مواقع طنز با همان لحن گزنده و تمسخر آمیزش، راوی واقعیت های تاریخ می شود، واقعیت هایی که هیچ تاریخ نگاری یار ای برملا کردن آنان را ندارد. طنز، بیان کننده ی تاریخ حقیقی اجتماعی انسانی است، زمامداران امور هیچ وقت نمی توانند طنز پرداز را وادار کنند که دست به سانسور حقیقت ها بزند، یا دروغ پردازی کنند. شاعران و نویسندگان طنز پرداز یگانه تاریخ نگاران صداقت پیشه عصر خویشند شعرها و حکایت های آنان حکم آئینه تمام نمای تاریخ روزگار را دارند. هنرنویسان با کمترین واژه ها بیشترین مضمون ها و حادثه هایی را که بر ملتی رخ می دهد، بیان می کنند. (آصف الحکماء؛ ۱۳۳۷: ۲۲۴)

۲-۳-۴. طنز و زمینه های هنری آن: خداوند توانایی های زیادی را در وجود انسان قرار داده است که یکی از آن نشانه های خداوندی، توانایی ابداع و خلقت هنری در انسان می باشد. هر هنرمندی اعم از شاعر، نویسنده، طنزپرداز، مجسمه ساز، نقاش، یا موسیقی دان برای خلق یک شاهکار هنری محتاج دید، تفکر و بیان هنرمندانه است. در واقع اساسی ترین بخش خلقت یک اثر هنری نحوه ی بیان آن می باشد. وظیفه یک هنرمند در اصل، عرضه نوین، نوآوری در تعبیر بیان هنرمندانه ی فکرها دریافت ها و اعتقادات است. قدرت بیان و استعداد خدادادی می باشد که خداوند در نهاد انسان به ودیعه نهاده است و غرض از آن تنها توانایی سخن گفتن نیست، این بیان همان قدرت فهم و دریافت و به کارگیری تصورها، و واژه ها و وسایل

گوناگون، برای آشکار کردن و تجسم بخشیدن به احساس‌ها است. در حقیقت، ابزار آلات بیان فقط زبان و تکلم کردن نیست، وسیله‌ی بیان، ممکن است موسیقی، نقاشی، طراحی، صدا و آواز، مجسمه‌سازی، طنز، فکاهی و غیره باشد. لازم به ذکر است، که طنز یکی از اصلی‌ترین و موثرترین سبک‌های بیان هنری است. یکی از ویژگی‌های بارز طنز بیان هنری آن است. طنزنویس به کمک صنعت‌های بدیعی همچون تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه و غیره به بیان مطلب می‌پردازد، همین امور جذابیت سخن طنزپرداز و فراگیری طنز را بیشتر می‌کند. (شفیعی کدکنی؛ ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۳۹)

۳- بررسی حوزه‌های نقد در طنزهای سعید بیابانکی

۳-۱- مسائل مربوط به نهاد اقتصادی

یکی از اصلی‌ترین و محوری‌ترین مسائل و مشکلاتی که در دوران تألیف این آثار گریبان‌گیر مردم جامعه است مسائل اقتصادی و مسأله‌ی تأمین معیشت افراد است. شاعر نیز که از طرفی از عمق دردهای مردم آگاه است و از طرف دیگر خود نیز درگیر بعضی از این مشکلات بوده به مسائل اقتصادی توجه و نگاه ویژه‌ای داشته است و کمبودها و معضلات اقتصادی زندگی مردم را بازبانی طنزآمیز بیان کرده است. مسائل اقتصادی عنوان شده در این آثار را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

فقر عمومی مردم و دشواری‌های زندگی: مسأله‌ی گرانی و تورم از مسائل عام و فراگیر دوره زندگی شاعر است. همچنین کمبود اجناس و کالاهای اساسی و ضروری زندگی که به نوعی خود از عوامل بیشتر شدن گرانی است نیز در جامعه معضلی اساسی به شمار می‌رفته است. در سراسر این آثار شاهد طرح و نقد این دو مسأله به عنوان پرننگترین و پرتکرارترین مسائل اقتصادی هستیم. شاعر فقر عمومی مردم و دشواری‌های زندگی را در نمونه‌های زیادی یادآوری می‌کند:

«حالا که در به در شده‌ای و عیال‌وار آتش بزن یکی پر سیمخ، زال‌وار

ای چرخ! غافلی که چه بیداد کرده‌ای کندی تو پوست از سر من، پرتقال‌وار...»

اصلا به پشت بام بیا، هی به این و آن چون ماه نو نشان بده ما را هلال وار

با یک زبان که حرف دلم حالی ات نشد با ده زبان جدال کنم با تو لال وار» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۱۰-۹)

همچنین در این زمینه به مسأله‌ی بی‌ثباتی بازار و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی اقتصادی اشاره‌های زیادی شده است. از میان این اشاره‌های بسیار فراوان می‌توان نمونه‌های زیر را برای مثال ذکر کرد:

«شاعری از شدت شیرین‌زبانی سکنه کرد تاجری در حجره از شوق گرانی سکنه کرد

او که بردندش سرشب، شاعری مشهور بود نصف شب گفتند: بیمار روانی سکنه کرد» (بیابانکی، ۱۳۹۳:

۱۷).

در مجموعه ضدحالات نویسنده به فقر خانواده می‌پردازد که چگونه خانواده با آن روبرو بوده و با این پدیده اجتماعی فقر به سر می‌برند: «پدر و مادرم بی‌تقصیر بودند. لباس ورزش گران بود. پدر هم یکسال

بود بیکار بود. از وقتی کارخانه ریسندگی برادران تعطیل شده بود پدرم آمده بود نشسته بود کنج خانه. مادرم برای اینکه من در مدرسه احساس سرخوردگی نکنم رفته بود یک جفت کفش اسپرت رنگ و رو رفته و کهنه از پسرعمویم گرفته بود. شلواری هم از برادر بزرگترم بود که حالا رفته بود سربازی. پیراهنم را هم مادرم از کهنه فروشی‌هایی که هر چهارشنبه نزدیک مسجد محل بساط می‌کردند خریده بود.» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۴۹)

مسأله‌ی بیکاری در جامعه: در جامعه‌ی بحران زده‌ای که نرخ تورم و گرانی اجناس و خدمات رشد روز افزون دارد مسلماً مسأله‌ی اشتغال از مهمترین و اساسی‌ترین نیازهای افراد جامعه - به خصوص جوانان - است. با مطالعه‌ی این آثار در می‌یابیم که یکی از اصلی‌ترین مشکلات مردم مسأله‌ی اشتغال است. کمبود فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان، به خصوص افراد تحصیل کرده‌ای که پس از سال‌ها تحصیل انتظار دارند تا با یافتن شغلی مناسب هم از اطلاعات و مهارت‌های خود استفاده کنند و هم منبع درآمدی داشته باشند، از معضلات اجتماعی به شمار می‌رود. مسلماً بیکاری افراد منجر به تولید مشکلات دیگری نیز می‌شود که بیابانکی از ذکر و طرح آنها نیز غافل نیست. در شعر «مسطی» فقر و بیکاری به هم گره خورده است و نومی‌دی جوانان در یافتن کار و نومی‌دی در درآمد آشکار است:

«پدر جان! سلام علیکم؛ من از شهر برایت سلام و دعا می‌فرستم.

مگر قدر آن روستا را بدانی برای تو قدری هوا می‌فرستم.

کمی صبر کن، جان بابا به زودی برایت کلاه و عصا می‌فرستم.

کمی صبر کن، بنده هم مثل «حافظ» برای تو اسب و قبا می‌فرستم.

من اینجا شب و روز مشغول کارم دو ماه است موشک فضا می‌فرستم.

... مگر کار و بارت حسابی بگیرد برایت دو نیشان گدا می‌فرستم.

خودم هم به‌زودی می‌آیم سراغت تو را هم به دارالشفا می‌فرستم!» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۳).

اوضاع نابسامان و رکود کار در طنز روایی «خاور دایی ابراهیم» بازنمایی می‌شود:

به به گل ابراهیم. کجایی سالار؟ دو سه ماهی میشه چشممون به جمالت روشن نشده. دلمون خیلی هواتو کرده بود به مولا.

دایی ابراهیم گفت خیلی مخلصیم سید. راستش چن ماهیه بار بهم نخورده بود. اوضاع بار از اون ور به این ور خیلی خرابه و گرنه مگه میشه ما بیایم بندر و تو قهوه خونه سید تاپ نشیم؟ (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۳۸)

مسئله پولشویی نیز از مسائلی است که باعث مشکلات جدی در اقتصاد کشور است که هنوز لاینحل مانده و بیابانکی نیز از این موضوع در طنز خود بهره برده است و در قسمت اخبار بیست سال آینده اینگونه می‌آورد: «متخصصان ایرانی موفق شدند برای اولین بار دستگاه پولشویی را در کشور طراحی و تولید کنند. این دستگاه قادر است کلیه پول‌های کثیف رایج در بازار اعم از اسکناس و سکه را کاملاً بشوید. لازم به

ذکر است مشکل وجود پول‌های کنیف در بازار نزدیک ۳۰ سال بود که اقتصاد کشور را مورد آزار و اذیت قرار داده بود. «... (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۵-۶).

تولید داخلی و واردات: اقتصاد و توسعه آن در گروه تولید داخلی است. هنگامی که تولید کاهش یابد نشانه ضعف و بیماری اقتصادی خواهد بود. در این زمینه شاعر بارها و بارها نداشتن تولید داخلی و جایگزینی آن با واردات بی‌رویه را در طنز خود بکار می‌گیرد. ناتوانی کشور در تولید داخلی و فراهم شدن زمینه واردات از دیگر کشورها را نقد می‌کند. در نمونه زیر شاعر بر این باور است که واردات از جزئی‌ترین کالا تا بزرگترین آن از چین صورت می‌گیرد و حتی محصولات فرهنگی و هویت ملی نیز به دیگر کشورها وابسته‌ایم:

«زشت است این که گیر سر از چین بیاوریم / کبریت‌های بی‌خطر از چین بیاوریم
آورده‌ایم هر چه شما فکر می‌کنید / چیزی نمانده شعر تر از چین بیاوریم
هر چند توی کشور ایران زیاد هست / ما می‌رویم گور خر از چین بیاوریم
آورده‌ایم ما نمک از ساحل غنا / پس واجب است نیشکر از چین بیاوریم
هی نیش می‌زنند و عسل هم نمی‌دهند / زنبورهای کارگر از چین بیاوریم؟» (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۲).
شعرهای «خفن‌تر» و «پکن» نمونه‌های دیگری از این نوع طنز اقتصادی بشمار می‌روند.
خفن‌تر:

«یک عدد نسیان به ما از پشت سر کوبید و در رفت
خودروی ملی لگن بود و از آن پس شد لگن تر» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۴۳).
در شعر «سیب زمینی» شاهد انتقاد اقتصادی هستیم که در آن شاعر از واردات بی‌رویه اجناس و حتی میوه‌های خارجی به سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد می‌کند. نیز به ضعف اقتصادی کشور در زمینه تامین رفاه نسبی مردم معترض است و می‌گوید که یک لقمه نان به ما برسد کفایت می‌کند:
«ما را شمیم، سنجد و توت وطن خوش است ما میوه‌های مصری و چینی نخواستیم
تولید را پدر، سر جدت غلاف کن بابایمان در آمده، نی نی نخواستیم
یک لقمه نان به ما برساند همین بس است ما دولت چین و چنان نخواستیم» (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۶۸).

۲-۳- سیاست

ادارات دولتی و سیاست نقش به‌سزا و مستقیمی در زندگی اجتماعی و اقتصادی آحاد مردم و تأمین آسایش و رفاه افراد جامعه به عهده دارند. مسلم است که وجود ضعف و نقص در این ادارات و دستگاه‌ها نیز مستقیماً بر زندگی افراد تاثیرگذار است. در این آثار به کمبودها و نقص‌های مختلف دستگاه‌های اداری و دولتی اشاره‌های طنزآمیز فراوانی شده است و مسائل مربوط به این حوزه را می‌توان به صورت زیر دسته بندی و ارائه کرد:

بی‌مسئولیتی کارمندان و عدم رسیدگی صحیح به امور: از دیگر مسائل و نقص‌های ادارات دولتی که در این آثار اشاره‌های فراوانی به آن شده است رواج بی‌مسئولیتی در میان کارمندان ادارات است و این بی‌مسئولیتی و به اصطلاح نبود وجدان کاری در بین کارمندان ادارات بی‌شک حاصل عواملی چون پایین بودن دستمزد کارمندان، تبعیض و توجه به روابط و مسائلی از این قبیل است. شاعر روش‌های کارمندان ادارات دولتی را برای فرار کردن از کار و شانه خالی کردن از مسئولیت، با زبانی طنزآمیز و گاهی آمیخته با اغراق شرح و توضیح داده است. در شعر «وضع حمل» این مسئله نشان داده شده است:

طیّب نسخه‌ی درد مرا چنین پیچید: دو وعده خوردن چایی به وقت چاییدن
 معاونی که مشاور شده است می‌داند چقدر شغل شریفی است کشک ساییدن
 به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات بخواست جام می و گفت: ژاژ خاییدن
 ... صبا به حضرت اشرف ز قول بنده بگو: که آزموده خطا بود آزماییدن

تمام قافیه‌ها ته کشید غیر یکی خوش است خوردن چایی به وقت چاییدن! (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۱).

ناکارآمدی ادارات: در میان مسائل و مشکلات موجود در سیستم‌های اداری و دولتی، شاعر به ناکارآمدی بعضی از ادارات خاص توجه و نگاه دقیق‌تری دارد و علت این امر هم این است که این ادارات طرف حساب همه‌ی مردم در تمام ایام هستند و بی‌شک ناکارآمدی این ادارات باعث به وجود آمدن شرایط سخت برای اغلب مردم می‌شود. از مطالب و مسائل نقل شده در آثار مورد بحث به راحتی می‌توان دریافت که در دستگاه‌های اداری و دولتی نابرابری و ظلم اجتماعی بسیار فراوان است. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نقص ادارات دولتی رواج توصیه و پارتی بازی است که مانند مرضی چنان فراگیر بوده که در اغلب موارد در ادارات به طور کلی روابط حکمفرما بوده و نه ضوابط. از عواقب و تبعات این امر هم رواج تبعیض در بین کارمندان ادارات است به طوری که بسیاری از کارمندان با وجود مهارت و وجدان کاری بالا هنگامی که مورد تبعیض مسئولین قرار می‌گرفته‌اند از کار خود دلسرد و مأیوس شده است. از دیگر معضلات اساسی موجود در دستگاه‌های اداری و دولتی رواج و شیوع رشوه خواری در بین کارمندان بوده که بیابانکی اشاره‌های فراوانی به این مسأله داشته است. از میان این ادارات خاص ناکارآمدی و مسأله‌ی عدم خدمت‌رسانی صحیح به مردم در این زمینه مسأله‌ای است که بیابانکی در طنز خود به آن تأکید دارد:

«آدمی که کار دارد، کار می‌خواهد چه کار؟ خانه‌ی بی‌بام و در، دیوار می‌خواهد چه کار؟
 شاعری که شعر نو می‌گوید و شعر سپید، مثنوی یا مخزن الاسرار می‌خواهد چه کار؟
 کاغذ او کاغذ سیگار باشد، بهتر است شاعر اصلاً کاغذ آچار می‌خواهد چه کار؟
 هم سفید و هم خز است و هم مُد امروز نیست مانده ام این ریش را «ستار» می‌خواهد چه کار؟
 آن صدای مخملی، بی‌ساز خیلی بهتر است من نمی‌فهمم «حسن» گیتار می‌خواهد چه کار؟
 ... هشت تا گُل خورده این دروازه بان تیره بخت من نمی‌فهمم دگر اخطار می‌خواهد چه کار؟

کار بسیار است و بیکاری کم و فرصت زیاد واقعا کشور وزیر کار می‌خواهد چکار؟!» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۱)

همچنین ندادن حقوق ایرانیان و تضييع آن در وزارتخانه نفت نیز در مجموعه ضدحالات بدان اشاره شده است: «وزارت نفت از مردم شريف ايران به دليل تاخير سه روزه در پرداخت پول نفت عذرخواهی کرد. وزارت نفت علت این تاخير را افزایش ۳۰ درصدی قیمت جهانی نفت اعلام کرده و افزوده افزایش ناگهانی قیمت نفت در محاسبه سود مردم اختلالاتی ایجاد کرده که کارشناسان در حال محاسبه دقیق هستند که خدای ناکرده در حق مردم شريف ايران اجحاف نشود. وزارت نفت اظهار امیدواری کرده فردا پول نفت به حساب مردم شريف ايران واریز شود.» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۹).

۳-۳ موضوعات مربوط به نهاد اخلاق

یکی دیگر از مسائل کلان و نهادهای جامعه که مورد بحث بیابانکی قرار گرفته است، موضوعات و مسائل خاص در نهاد اخلاق است. البته مسلم است که موضوعات اخلاقی - فرهنگی و اجتماعی به آسانی قابل تفکیک از یکدیگر نیستند و مسلماً آنچه که در مباحث قبل به عنوان مسائل و معضلات اجتماع ذکر و بیان شد تأثیر مستقیم بر روی مسائل فرهنگی داشته و همچنین بالعکس، هر یک از مسائل فرهنگی هم در دیگر مسائل اجتماعی تأثیر گذار است. بنابراین می‌توان گفت که تفکیک، دسته بندی و نام گذاری موضوعات و معضلات جامعه صرفاً جهت نظم دادن به امور کلی ذکر شده در این آثار طنز است.

مسائل مربوط به اخلاق در جامعه: از عمده‌ترین موضوعات و مسائل فرهنگی جامعه که در این آثار بسیار مطرح شده است، مسأله ی اخلاق در میان افراد جامعه است. همواره از رواج رذائل اخلاقی خاص در میان افراد اظهار تأسف می‌کند. البته می‌توان گفت که بعضی از مسائل خاص اجتماعی و مشکلات اقتصادی هم در نحوه ی برخورد افراد با یکدیگر در جامعه تأثیر گذار است.

رواج رفتارهای ضد اخلاقی مثل ریاکاری، حرص و طمع، چاپلوسی، دروغ‌گویی، بی‌احترامی به حقوق افراد، سوء استفاده از اشخاص، فریب کاری، ظاهربینی، چشم و هم چشمی و حسادت و مسائلی از این قبیل که همگی نهایتاً منجر به بدبینی افراد به یکدیگر و به تمام امور می‌شده است، از مسائلی است که به عنوان مسائل بسیار پر اهمیت به آنها پرداخته و به خاطر وجود این مسائل در جامعه‌ی خود اظهار تأسف کرده است.

علاوه بر مسائلی که ذکر شد بیابانکی به بعضی از رفتارهای مغایر با اخلاق هم اشاره کرده است که البته این رفتارها تا حدودی شخصی‌تر است و آسیب‌های آن متوجه افراد محدودتری می‌شده است. مسائل خاصی از قبیل حساست افراد، عادت به پر خوری و شکمبارگی، بی‌احتیاطی و بی‌توجهی به خطرات و مسائلی از این قبیل را می‌توان به عنوان نمونه های مطرح شده از سوی شاعر عنوان کرد:

هرگز ندهندش زن در کوچه و در برزن
مانند رضازاده هر کس که وزین باشد

در کار گلاب و گل گفتند که حکمت چیست؟
گفتم که همین خوب است، بگذار همین باشد
پیراهن ما را هم از پشت، کسی جر دارد
من فکر کنم کار شیطان لعین باشد
خلقی شده گمراهت وقتی که به همراهت
یک روز شهین باشد، یک روز مهین باشد
پایت به زمین باشد دستت به هوا باشد
دستت به هوا باشد پایت به زمین باشد (بیابانکی،
۱۳۹۱: ۶۰).

۲-۳-۴ مسائل مربوط به فرهنگ عمومی جامعه

علاوه بر مسائل اخلاقی که ذکر شد، نقص ها و معایب فرهنگی دیگری هم در جامعه وجود داشته که کم کم تبدیل به معضلی برای فرهنگ عمومی جامعه شده و به نحوی فرهنگ های خاصی را در جامعه تولید و رایج می کرده که برای افراد جامعه و همچنین فرهنگ کلی جامعه مضر و آسیب رسان است. این مسائل در مقایسه با رذائل اخلاقی که قبلا ذکر شد کلی تر و فراگیرتر بوده و البته میزان آسیب مردم از این مسائل هم به خصوص در طول زمان بیشتر و عمیق تر است:

«ماه من انگار قرص خواب مصرف کرده است شربت شیرآور مهتاب مصرف کرده است.
بره هایش را به ما داده است مصرف کرده ایم جیب ما را در عوض قصاب مصرف کرده است.
توی ماهی تابه سرخش می کنند و می خورند مثل ماهی هرکسی قلاب مصرف کرده است.
یک نفر از ترس ماموران و بیم خدا شیره را برده ست در محراب مصرف کرده است.
عاقبت نایاب خواهد شد پدر در پایتخت بس که قرص و شربت نایاب مصرف کرده است» (بیابانکی،
۱۳۹۳: ۱۴-۱۳).

از دیگر نمونه هایی که در آثار بیابانکی بهانه ای برای طنز شده است ارتباط کلامی پسران و دختران است: «حکایت عاشق شدن من به روزگار خیلی خجالتی بودن و کم رویی من برمی گردد. فکر کنم سال ۶۱ بود و من دانش آموز سال اول دبیرستان. با خانواده رفته بودیم مشهد. در مسافرخانه ای نزدیک فلکه آب سابق رحل اقامت افکنده بودیم. از آنهایی که اتاق هایش دور تا دور حیاط بود و با یک چرخش چشم مثل چرخش دوربین فیلمبرداری می شد همه چیز و همه جا را رصد کرد. روز سوم اقامت ما بود. یک روز از پله ها داشتم می آمدم پایین که دختر خانمی در پاگرد راه پله مقابلم سبز شد. چشم در چشم هم دوختمیم و او با دستپاچگی به من سلام کرد. این اولین باری بود که یک دختر غریبه به من سلام می کرد. با دستپاچگی جواب سلامش دادم و با عجله از پله ها آمدم پایین. پایین پله ها که رسیدم احساس کردم قلبم مثل فلان جای مرغ در حال تپیدن است. . . از فردای آن روز کار من شده بود مدام رصد کردن آن ضعیفه. اینکه بینم اهل کجاست. اسمش چیست. تا کی هستند و از اینها. آن دختر را یکی دوبار دیدم ولی به هیچ عنوان شرایط گفتمان عاشقانه یا حتی اجتماعی فراهم نبود. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۰)

۴-۳ مسائل مربوط به نهاد دین و مذهب

همانطور که بارها اشاره کردیم بیابانکی به تمام امور و وقایع جامعه و عصر خود با دقت و تیزبینی خاصی می‌نگرد و می‌توان چنین گفت که او از هیچ مسأله‌ای و هیچ زمینه‌ای از زندگی مردم غافل نیست. شاید به خاطر همین دقت و تیزبینی هم باشد که شاعر علیرغم نوع خاص طنز که برای نوشتن نثر و نظم برگزیده است، گاهی اعتقادات دینی و مذهبی را هم موضوع سخن خود قرار می‌دهد. البته باید گفت که در این آثار هرگز اساس اعتقادات دینی و مذهبی در جامعه، محور خلق طنز قرار نگرفته است و آنچه که باعث ناراحتی بیابانکی در این زمینه می‌شده، نحوه برخورد بعضی از افراد با مسائل و اعتقادات دینی و مذهبی است. عمده‌ترین نقص و کمبود در این زمینه که بیابانکی به آن اشاره کرده، مسأله‌ی سستی و ریاکاری بعضی از افراد در دین ورزی است. بیابانکی استفاده‌ی ابزاری و تظاهر گرایانه از دین را به شدت نقد و رد کرده است:

«این طرف گرچه مداد العلما موجود است آن طرف نیز دماء الشهداء موجود است.
در و دیوار پر از صوم و صلوات است و دعا هر طرف می‌نگری قبله نما موجود است.
ذره ای جای تو و سوسه شیطان نیست تا بخواهد در این حجره، خدا موجود است.
... هست این حجره من راه میان بر به خدا مهر و سجاده و تسبیح و عبا موجود است.
جیبی و تاقچه‌ای و بغلی و قدی همه جور آینه در حجره ما موجود است.
«کربلا منتظر ماست» نداریم ولی «هر که دارد هوس کرب و بلا» موجود است. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۵۳-۵۴).

همچنین در طنز «خاور دایی ابراهیم» به سستی مردم نسبت به مسائل دینی اشاره می‌شود. نویسنده در متن می‌گوید که مردم از مسجد به عنوان کارهایی غیر از کار دینی استفاده می‌شود زیرا نمازگزار ندارند: راستش خیلی خوابم می‌آید. با معجد می‌ریم تو ماشین چن ساعتی می‌خوابیم. خروسخون هم به امید خدا می‌شینیم پشتش. سید گفت:

امشب که خیلی سرده قریونت برم. تو ماشین یخ می‌زنی. بذار این آقا معجد با خاطره خوش از پیش ما بره. امشب و بد بگذرون و توی قهوه‌خانه پیش ما بخواب. دایی ابراهیم گفت:
نه سید شما جات تنگه. مزاحم نمی‌شیم. همون تو ماشین راحت تریم. دمت گرم. نوکرتیم.
سید گفت:

اره بابا هنوز مشتری گیر نشده. چن شبه درو باز می‌دارن که راننده‌ها اونجا بخوابن شاید واسه نماز صبح چن تا باشن پشت سر آقا کله معلق بزبن و زد زیر خنده.
دایی ابراهیم گفت:

جماعت بنی هندل و نماز؟ چه حرفا می‌زنی سید. این جماعتی که من می‌شناسم به بارم پیشونی شون به زمین نرسیده. فقط تو فکر اینن به تیغ تل بچسبونن و پف پف بدن پایین بعدشم به آب شنگولی روش. اصلا این طایفه دائم الخمرن. ما رو نیگا نکن که اهل این برنامه‌ها نیستیم. (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۳۹)

همچنین مسأله‌ی حفظ ظواهر احکام شرعی بدون توجه به نفس و نیت اصلی دستورات هم مسأله‌ی است که بیابانکی به عنوان یک نقص در این زمینه مطرح کرده است:

«مادرم با پدرم بد شده است چون شنیده است که مرتد شده است
معصیت های کبیر پدرم صد و هشتاد مجلد شده است
فحش دادن به جناب ابوی منیع کسب در آمد شده است
هیچ کس چون که نشد ضامن او پدرم عازم مشهد شده است
عمه می آمده مهمانی ما وسط راه مردد شده است
علت این همه معضل این است که صلاحیت او رد شده است!» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۲)

مسأله‌ی بی‌توجهی افراد به دستورات واضح و روشن شرعی، مثل حرمت رباخواری و رشوه خواری که نهایتا باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی برای افراد می‌شده، نیز در این آثار مطرح شده است.

۳-۵ حقوق

حقوق شهروندی: هر شهروند دارای حقوقی است که باید از طرف نهادهای سیاسی و اداری به رسمیت شناخته شود. در این میان مردم در قبال تحویل اموال خود به بانک‌ها باید از خدمات مناسبی برخوردار شوند و هنگام درخواست قسمتی از اموال شهروندان به آنها بازپس دهند. نویسنده در اینجا به مسئله و مشکلاتی می‌پردازد که در آن حقوق شهروندان از سوی بانک‌ها نقض می‌شود و برای آنان نیز مشکلاتی هم به وجود می‌آورد: «ممکن است شما وقتی به یک خودپرداز مراجعه می‌کنید با این پیام مواجه شوید: دستگاه موقتا کار نمی‌کند به دستگاه دیگری مراجعه کنید. در این صورت فریب دستگاه را نخورید شاید دستگاه‌های دیگر هم قصد دارند همین پیام را پخش کنن. همانجا بایستید و تا پولتان را نگرفته‌اید، نروید... اگر به هر دلیلی خودپرداز کارت شما را قورت دارد برای پس گرفتن آن از مشت و - لگد و بد و بیراه و فحش‌های بد استفاده نکنید... ممکن است دوربین مخفی بانک هم تصویر شما را ضبط کرده و شما را به جرم تشویش اذهان عمومی و تخریب اموال دولتی دستگیر کنند.» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۵۹)

همچنین آلودگی‌های تصویری که باعث آزار شهروند می‌شود، نقد می‌کند. بیابانکی یکی از موارد نقض حقوق شهروند را در تبلیغات بی‌رویه می‌داند که بر روی دیوار و مکان عمومی استفاده می‌شود و نوعی آلودگی بصری ایجاد می‌کند:

«... حتما بازدیدکنندگان محترمی که از طریق متروی مصلا چشمشان به نمایشگاه روشن می‌شود، به راهروهای مترو و در و دیوار سالن انتظار و ایستگاه دقت کرده‌اند که با آگاهی تبلیغاتی چند تا از

آموزشگاه‌های کنکور کاغذ دیواری و کاغذ زمینی شده است؟ میزان این تبلیغات رنگارنگ که به مدد فناوری‌های مدرن چاپ، بسیار هم تلاش شده چشم نواز باشد آن قدر زیاد است که آدم یک لحظه فکر می‌کند وارد آموزشگاه کنکور شده. یا دارد می‌رود سر جلسه کنکور. یا اگر کمی هم اهل خیال پردازی باشد احساس می‌کند افتاده داخل یک چاپگر بزرگ از نوع جوهر افشان...» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۶۹-۷۰)

مسئله شهری با وسعت و جمعیت بالا نیازمند مدیریت و رسیدگی عالی از سوی مسئولین نیز هست، اما با مطالعه ی این آثار درمی‌یابیم شهرها از نظر تأمین رفاه و امکانات برای شهروندان دچار کمبودها و نقائص فراوانی است. علت اصلی این نقائص و کمبودها نیز در وهله اول شهرداری است، چرا که این سازمان علیرغم صرف هزینه‌های بالا نهایتاً در تأمین رفاه شهروندان چنان که باید و شاید موفق نیست. شاعر به کمبودهای فراوانی چون عدم پاکیزگی خیابان‌ها و محلات، عدم نظارت صحیح بر نحوه ی ساخت و سازها، عدم مدیریت و اجرای علمی و کاربردی در اموری مثل جاده سازی و گسترش خیابان‌ها، نبود مکان‌های مناسب و کافی برای تفریحات سالم و ورزش شهروندان و اموری از این قبیل اشاره می‌کند. باید گفت که تمامی این مشکلات در شهرها عمیق‌تر و مسأله سازتر است. در این موارد هم بیابانکی مشکلات را با زبان طنز به تصویر می‌کشد:

«گر به شورا راه یابد پای من هر چه ویرانی است عمران می‌کنم
می‌روم هر شب به میدان‌های شهر هر چه ساعت بود میزان می‌کنم
مشکلات شهرتان را رتق و فتق پشت میز و پشت فرمان می‌کنم
کوچه های تنگ را هر شب فراخ هر چه بن بست است دالان می‌کنم
چاله‌های شهر را چاه عمیق هر چه دالان را خیابان می‌کنم
... هفته ای یک شب کلیسا می‌روم ارمنی‌ها را مسلمان می‌کنم
می‌فروشم کل اسرائیل را پول آن را خرج لبنان می‌کنم
یک سخنرانی به نفع مسلمین در بلندی‌های جولان می‌کنم
مثل اقشار ضعیف اجتماع نوش جان سویای سیحان می‌کنم
هم صدایی هم دلی هم زیستی با سرای سالمندان می‌کنم...» (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۴-۷).

۲-۵-۴ حقوق مولف: حقوق مولف از دیگر موضوع‌های طنز بیابانکی است. «شاید شما هم سهم مولف، ناشر، پخش‌کننده و فروشنده کتاب را از قیمت پشت جلد ندانید. سهم مولف معمولاً ۱۰ درصد، پخش‌کننده ۲۰ درصد، فروشنده ۳۰ درصد و ناشر ۴۰ درصد. که البته این درصدها ممکن است کمی بالا و پایین شوند ولی نکته جالب اینجاست که سهم مولف در هر شرایطی کمتر از بقیه است. جالب است نه؟ مولف یعنی خالق اثر یعنی کسی که اگر نباشد ناشر و پخش‌کننده و فروشنده محلی از اعراب ندارند سهمش از اثری که آفریده از همه کمتر است...» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۷۷-۷۸).

مسائل و حقوق زنان: بیابانکی را باید منتقد اجتماعی و نویسنده‌ای دانست که از لحاظ تفکر و شیوه‌ی نگاه به مسائل بسیار روشن بین و آزاداندیش است. بلکه اشاره‌ی او به بعضی از حقوق اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اداری زنان جامعه نشانگر نگاه عمیق و همه جانبه‌ی او به مسائل روز است. البته ذکر این نکته هم لازم است که اشاره به چنین مواردی در این آثار کم و محدود است اما به خاطر ارزشی که نگاه و نظر بیابانکی در این باره دارد و باعث نمایاندن وضعیت و جایگاه حقوق زن در جامعه‌ی آن روز شده است؛ این موارد را هم ذکر کرده‌ایم.

«به من نیگایم نکن آهای برادر خودت مگه نداری خار و مادر!

ماه و مگه تو نیمه شب ندیدی می‌خواهی بگی تو خط لب ندیدی؟

صورت من به کم اناری شده به ریزه هم بتونه کاری شده

امل بی سواد ژل ندیده دهاتی خنگ ریمل ندیده

تقصیر خیاطای رو سیاهه مانتوی من آگه به کم کوتاهه

... آهای مدیر پاک با سیاست من کجا و اماکن و حراست؟

هم انقباضیه هم انبساطی کمیته‌ی مخوف انضباطی

نذار که دلتنگی مو هی کش بدم خوشگلی مو کجا نمایش بدم

حیفه جوونامون پسر بمیرن کاری کنین جوونا زن بگیر! ...» (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۷-۸).

۶-۴ مسائل مربوط به نهاد تعلیم و تربیت

بحث آموزش به عنوان اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین فعالیت فرهنگی در جامعه مطرح است. افراد از طریق نظام آموزشی به نوعی در معرض دریافت و آموختن مبانی اساسی فرهنگی و فکری هستند. دو سازمان آموزش و پرورش و آموزش عالی به عنوان متصدیان فرهنگی که مستقیماً تحت نظارت دولت بوده‌اند امر خطیر رواج فرهنگ صحیح در جامعه را عهده‌دار بوده‌اند. اما این دو سازمان هم مثل بسیاری از ادارات و بخش‌های دولتی دچار ضعف و کمبودهایی بوده‌اند که بیابانکی به آنها اشاره کرده است. علاوه بر این موارد در تعلیم و تربیت موارد دیگر همانند رسانه‌ها نیز دخیل‌اند.

آموزش و پرورش: آنگونه که از مطالب این آثار بر می‌آید، اساسی‌ترین نقص نظام آموزش و پرورش ناتوانی و ناکارآمدی این نظام آموزشی در تعلیم دانش‌آموزان است. و همچنین بی‌توجهی به تعلیم و تربیت صحیح دانش‌آموزان در مدارس هم از نکاتی است که شاعر نقد کرده است.

«اساساً مدرسه جای مفیدی ست ولیکن پنج سال ابتدائیش» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۳۲)

با توجه به متن «سکته ملیح» در قسمت «گل‌های کاغذی» معلوم و مشهود است که در نظام آموزشی در مدارس در دانش‌آموز ایجاد نفرت می‌کند و از سوی دیگر ایجاد عشق. یعنی دانش‌آموز در مدرسه دچار دو نوع احساس متعارض است و درس‌ها را در دو دسته خوب و بد تقسیم می‌کند و به یک دسته عشق

می‌ورزد و از دسته مقابل نفرت دارد این مسئله ریشه در دشواری درس دارد. در این متن احساس نفرت در دانش آموز نسبت به درس به خوبی نشان داده می‌شود:

«اگر از من پرسند از چه درسی بیشتر بدت می‌آید می‌دانید می‌گویم چه؟ حتما فکر می‌کنید مثل همه تنبل‌های جهان می‌گویم ریاضی یا مثلا تاریخ یا جغرافی یا حتی املاء و انشاء. بچه‌ها کلی با انشاهای من کیف می‌کنند. اما وای حال من از زنگ ورزش بهم می‌خورد. نه بخاطر اینکه باید بدوم و خسته شوم. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۴۹).

آموزش عالی: آموزش عالی هم مثل آموزش و پرورش دچار ضعف‌هایی بوده و به نوعی دنباله رو و ادامه‌دهنده‌ی همان ضعف‌های اساسی در تعلیم و تربیت جوانان است. اساسی‌ترین ضعف آموزش عالی که در این آثار مطرح شده، کمبود دانشگاه‌ها علیرغم متقاضیان فراوان ورود به دانشگاه است، بیابانکی نحوه‌های پذیرش افراد در دانشگاه‌ها را هم بسیار ضعیف و ناعادلانه توصیف می‌کند. همچنین عدم انطباق علاقه‌های شخصی افراد با رشته‌های تحصیلی شان و نهایتا ناکارآمد بودن تحصیلات و اطلاعات افراد و عدم توانایی و مهارت فارغ‌التحصیلان هم به عنوان معایب آموزش عالی ذکر شده است. مشکل کمبود دانشگاه و سختی ورود به دانشگاه‌ها باعث می‌شود که افراد برای تحصیل به خارج از کشور مهاجرت نمایند، که این امر هم خود به وجودآورنده‌ی مشکلات زیادی برای جوانان است که بیابانکی با اظهار تأسف از این وضع، به ذکر آنها می‌پردازد.

«نمی‌دانم چند قرار است در آزمون‌های سراسری شرکت کنند؟ یک میلیون نفر یا بیشتر؟ یا آمار درست و درمانی وجود دارد که معلوم شود سالانه چند درصد از بازدیدکنندگان نمایندگان تهران را تشنگان علم و عاشقان دانش یعنی همین کنکوری‌های عزیز تشکیل می‌دهند؟ اگر فرض کنیم همه داوطلبان محترم آزمون‌های سراسری از دولتی و آزاد و رایانه‌ای و یارانه‌ای و زیر خط فقر و بالای خط فقر و بومی و غیربومی و آنها که سوال می‌خرند و آنها که سوال می‌فروشند هم از نمایندگان بازدید کنند فکر می‌کنید این رقم در قیاس با کل بازدیدکنندگان نمایندگان کتاب چه درصدی خواهد بود؟ به هر حال قطعا درصد بالایی نیست.» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۶۹)

از دیگر معایب نظام آموزشی در ایران کنکور است که باعث تلف شدن وقت و دانش آموز برای راه یابی به دانشگاه می‌شود و از سوی دیگر تاثیر در دانش‌افزایی در مراحل بعدی تحصیل ندارد این وضعیت سلسله کنکورها هزینه‌های مالی زیادی نیز از جوانان می‌گیرد:

«خواهران و برادران عزیز! همه اهل کتاب و اهل تمیز

سال تحصیلی جدید آمد خوششان شد دوباره عید آمد

باز هم فصل برگ ریزان شد کیفیتان کوک بود، میزان شد

ای عزیز دل برادر، هان! خواهر محترم، برادر جان!

یا به تزویر، یا به زر، یا زور رد شدی فاتحانه از کنکور

پای درس معلمی وراج هاج ماندی و واج و خواندی گاج
مثل آینده ات بلا تکلیف سال ها با مدرسان شریف
... حیف آن چشم های خوشگل نیست شأن تو برتر از اراذل نیست؟» (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۳۰-۲۹).

۶-۳- مسائل تربیتی

شیوه های تربیتی والدین ونحوه ی برخورد آنها با فرزندان و همچنین رفتار فرزندان با والدین هم از مسائل فرهنگی ای است که ضعف ها و نقص های آن ذکر و بیان شده است. در این زمینه بیابانکی به افسار گسیختگی بعضی از جوانان و بی توجهی فرزندان به موقعیت های اجتماعی و اقتصادی خانواده شان و پرتوقع بودن نوجوانان و جوانان اشاره هایی کرده است.

در چنین مواردی اغلب بیابانکی به مقایسه ی جوانان دوران گذشته با جوانان عصر حاضر پرداخته و از رواج بی احترامی به مقام پدر و مادر در بین جوانان و مسائلی از این قبیل اظهار ناراحتی کرده است، و یا به رواج عادات و رفتارهای نادرستی مثل گرایش جوانان به مواد مخدر اشاره کرده است.
در بعضی از موارد بیابانکی عامل اصلی این رفتارها را خود والدین و عدم موفقیت آنها در تربیت فرزندان دانسته است.

۷-۴ نهاد خانواده

در نوشته «سفر به تاجیکستان» زحمت و تلاش مرد در خانواده و انفعال زنان و راحتی و آسایش آنان موضوعی برای طنز است. «از فواید دیگر سفر به تاجیکستان این است که اگر زن های ایرانی بروند و زن تاجیکی را ببینند به ایران که برگشتند این قدر به شوهرهایشان غر نمی زنند که چرا دیر آمدی یا چرا خسته ای یا اوقات نداری و غیره. چرا که در تاجیکستان حتی رفتگرهای کوچه و خیابان هم زن ها هستند و مردها کمتر سرکار می روند و مردها در خانه زیر کولر می خوابند و برای خودشان برنامه کودک و تام جری و مسابقه سیمرغ و با کاروان شعر و موسیقی تماشا می کنند» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۵)

همسر مهربان من باز آ تا بخندیم و قس علی هذا...!

خانه بی تو اگر چه بی شام است همه جا ساکت است و آرام است

دوری چانه ی تو را دیده تلفن هم گرفته خوابیده

تو بلایی شبیه رایانه بی بلا هم مباد این خانه

گرنیایی به سینه ی دیوار می زنم عکس های مسئله دار

چند تایی زن هنر پیشه گرم کن های سردی گیشه

عکس مهناز خانم افشار پوستر نوجوانی گلزار

چند تایی ربات کوکی هم عکسی از مهدی سلوکی هم

چندتا پوستر نر و ماده مثلا زاده...!

... با توام با تو مهربان همسر تف به شیطان بی پدر مادر

طرح فرهنگی مرا بپذیر جان من بیش از این بهانه مگیر:

با تو من آشتی نخواهم کرد با همان پا که رفته ای برگرد! (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۱).

۲-۵ نتیجه گیری

بیابانکی از عمق دردهای مردم آگاه است و از طرف دیگر خود نیز درگیر بعضی از این مشکلات بوده به مسائل اقتصادی توجه و نگاه ویژه‌ای داشته است و کمبودها و معضلات اقتصادی زندگی مردم را بازبانی طنزآمیز بیان کرده است. در سراسر این آثار شاهد طرح و نقد این دو مسأله به عنوان پر رنگترین و پر تکرارترین مسائل اقتصادی هستیم. شاعر فقر عمومی مردم و دشواری‌های زندگی را در نمونه‌های زیادی یادآوری می‌کند. همچنین در این زمینه به مسأله‌ی گرانی و تورم، بی‌ثباتی بازار و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی اقتصادی اشاره‌های زیادی شده است. در طنز بیابانکی فقر و بیکاری به هم گره خورده است و نومی‌ی جوانان در یافتن کار و نومی‌ی در درآمد آشکار است. چند شغله بودن مسئولان و بیکاری جوانان، اوضاع نابسامان و رکود کار، مسئله پولشویی نیز از پدیده‌هایی است که بیابانکی در طنز خود از آن بکار می‌گیرد. از سوی دیگر شاهد طنزهایی هستیم اقتصادی که شاعر از واردات بی‌رویه اجناس و حتی میوه‌های خارجی به سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد می‌کند. نیز به ضعف اقتصادی کشور در زمینه تامین رفاه نسبی مردم معترض است.

در این آثار به کمبودها و نقص‌های مختلف دستگاه‌های اداری و دولتی اشاره‌های طنزآمیز فراوانی شده است و مسائل مربوط به این حوزه را می‌توان به صورت زیردسته‌بندی و ارائه کرد. شاعر روش‌های کارمندان ادارات دولتی را برای فرار کردن از کار و شانه خالی کردن از مسئولیت، با زبانی طنز آمیز و گاهی آمیخته با اغراق شرح و توضیح داده است. یکی دیگر از معضلات بخش اداری و کارهای دولتی که دقیقاً به عنوان یک خلأ بزرگ در دستگاه‌های اداری وجود دارد و بیابانکی همواره با اظهار تأسف فراوان با طنزی تلخ از آن یاد می‌کند مسأله‌ی عدم مدیریت صحیح در ادارات است که مسلماً این نبود مدیریت صحیح منجر به عواملی مثل خطا و اشتباه مدیریتی، اتلاف نیروی انسانی، اتلاف بی‌مورد هزینه‌های دولتی است. در اغلب موارد وضعیت اسفناک و معیوب ادارات دولتی را به خوبی مجسم و منعکس می‌کند. بیابانکی اشتباهات و خطاهای مدیریتی و ناکارآمدی مسئولان را نمایش می‌دهد. شاعر با زبان طنز از سران دولت انتقاد می‌کند و با بیان کنایه‌آمیز به اعتراض می‌پردازد. با اعتقاد به پیوند سیاست و اقتصاد روی سوی دولت می‌کند و مشکلات اقتصادی را در سیاست‌های دولت می‌بیند و از وعده‌های پوچ و دروغین کسی حکایت می‌کند که همین وعده‌ها باعث فریب مردم می‌شود و با انتخاب به عنوان نماینده ملت وعده‌های خویش را فراموش می‌کند و برخلاف وعده‌هایش عمل می‌کند. از دیگر معضلات اساسی موجود در

دستگاه های اداری و دولتی رواج و شیوع رشوه خواری در بین کارمندان بوده که بیابانکی اشاره های فراوانی به این مسأله داشته است. از میان این ادارات خاص ناکارآمدی و مسأله ی عدم خدمت رسانی صحیح به مردم در این زمینه مسأله ای است که بیابانکی در طنز خود به آن تأکید دارد. از دیگر مسائلی که در ابعاد طنز قابل بررسی است و بیابانکی نیز بدان پرداخته است مسئله نقد است. در اشعار به طنز درباره شخصیت های سیاسی و سیاست دولت نیز اشاره دارد.

موضوعات و مسائل مربوط به نظام آموزشی، مسائل مربوط به رسانه های جمعی، مسائل مربوط به اعتقادات دینی و مذهبی، مسائل مربوط به اخلاق در جامعه، مسائل مربوط به فرهنگ عمومی جامعه و مسائل تربیتی رابطه تنگاتنگی با اخلاق دارند.

رواج رفتارهای ضد اخلاقی مثل ریا کاری، حرص و طمع، چاپلوسی، دروغ گویی، بی احترامی به حقوق افراد، سوء استفاده از اشخاص، فریب کاری، ظاهرینیی، چشم و هم چشمی و حسادت از مسائلی است که بیابانکی به عنوان مسائل بسیار پر اهمیت به آنها پرداخته و به خاطر وجود این مسائل در جامعه ی خود اظهار تاسف کرده است. بیابانکی به بعضی از رفتارهای مغایر با اخلاق هم اشاره کرده است که البته این رفتارها تا حدودی شخصی تر است و آسیب های آن متوجه افراد محدودتری می شده است. مسائل خاصی از قبیل خساست افراد، عادت به پرخوری و شکم بارگی، بی احتیاطی و بی توجهی به خطرات و مسائلی از این قبیل را می توان به عنوان نمونه های مطرح شده از سوی بیابانکی عنوان کرد. از دیگر نمونه هایی که در آثار بیابانکی بهانه ای برای طنز شده است ارتباط کلامی پسران و دختران است. و دخالت در زندگی و کار دیگران را غیر اخلاقی می داند.

عمده ترین نقص و کمبود در این زمینه که بیابانکی به آن اشاره کرده، مسأله ی سستی و ریاکاری بعضی از افراد در دین ورزی است. بیابانکی استفاده ی ایزاری و تظاهر گرایانه از دین را به شدت نقد و رد کرده است. مسأله ی حفظ ظواهر احکام شرعی بدون توجه به نفس و نیت اصلی دستورات هم مسأله ای است که بیابانکی به عنوان یک نقص در این زمینه مطرح کرده است. مسأله ی بی توجهی افراد به دستورات واضح و روشن شرعی، مثل حرمت ربا خواری و رشوه خواری که نهایتاً باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی برای افراد می شده، نیز در این آثار مطرح شده است. از سوی دیگر آمیختن هنر و دین را موضوعی مناسب در هنر طنز بکار می گیرد و سوی نظر به کسانی دارد که از در دیدگاه یا تفسیرشان هنر، مغایر دین است. و رانت خواری و بسیاری از مناسبات فرهنگی را جدای از دین می داند. از مناسبات فرهنگی و دینی در نظام فرهنگ ایرانی و دین اسلام رعایت محرمیت است که توسط شاعر نقض این مسئله در طنز نشان می دهد.

دو سازمان آموزش و پرورش و آموزش عالی این دو سازمان هم مثل بسیاری از ادارات و بخش های دولتی دچار ضعف و کمبودهایی بوده اند که بیابانکی به آنها اشاره کرده است. علاوه بر این موارد در تعلیم و تربیت موارد دیگر همانند رسانه ها نیز دخیل اند. آن گونه که از مطالب این آثار بر می آید، اساسی ترین نقص نظام آموزش و پرورش ناتوانی و ناکارآمدی این نظام آموزشی در تعلیم دانش آموزان است. همچنین

بی‌توجهی به تعلیم و تربیت صحیح دانش‌آموزان در مدارس هم از نکاتی است که شاعر نقد کرده است. در شعر بیابانکی مشهود است که در نظام آموزشی در مدارس در دانش‌آموز ایجاد نفرت می‌کند و از سوی دیگر ایجاد عشق. یعنی دانش‌آموز در مدرسه دچار دو نوع احساس متعارض است و درس‌ها را در دو دسته خوب و بد تقسیم می‌کند و به یک دسته عشق می‌ورزد و از دسته مقابل نفرت دارد این مسئله ریشه در دشواری درس دارد. همچنین عدم انطباق علاقه‌های شخصی افراد با رشته‌های تحصیلی‌شان و نهایتاً ناکارآمد بودن تحصیلات و اطلاعات افراد و عدم توانایی و مهارت فارغ‌التحصیلان هم به عنوان معایب آموزش عالی ذکر شده است.

در طنز بیابانکی از معایب نظام آموزشی در ایران کنکور است که باعث تلف شدن وقت و دانش‌آموز برای راه‌یابی به دانشگاه می‌شود. این وضعیت سلسله کنکورها هزینه‌های مالی زیادی نیز از جوانان می‌گیرد. بیابانکی به افسار گسیختگی بعضی از جوانان و بی‌توجهی فرزندان به موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی خانواده‌شان و پرتوقع بودن نوجوانان و جوانان اشاره‌هایی کرده است. همچنین رواج روابط خاص و پنهانی بین دختران و پسران و آسیب‌های ناشی از این روابط برای طرفین را هم مطرح کرده است و در این مورد به ازدواج‌های غلط و ناموفق که طبیعتاً به مرور زمان به نحوه‌ی شکل‌گیری فرهنگ‌های خاص در این زمینه منجر می‌شده نیز اشاره کرده است.

از دیگر مواردی که در ذیل سایر مضامین شعری بیابانکی ذکر کرد می‌توان به پدیده‌های صنعتی و دیجیتالی، پزشکی، شخصیت‌های ادبی و هنری و... اشاره کرد که در ذیل نهادهای هفتگانه نمی‌توان دسته‌بندی کرد.

این مجموعه شعر سکنه ملیح، بیشتر از لحاظ بسامدی بیشتر اشعار به سایر مواردی که در ذیل نهادها نمی‌گنجد، اختصاص دارند. در میان مضامین و ابعاد طنز سیاسی و اقتصاد دارای بسامد بالاتری است و نهاد دینی و تعلیم و تربیت کمتر در طنز وی مشاهده می‌شود.

در مجموعه اشعار هی شعر تر انگیزد، مسئله سیاست اهمیت بیشتری دارد. اقتصاد نیز از اهمیت دوم برخوردار است. نهاد اخلاق و در نهایت حقوق شهروندی و سپس دیگر نهادها دارای ترتیب بسامدی هستند.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آرزین پور، یحیی. (۱۳۸۷). از صبا تا نیما. دو جلد، چاپ ششم، تهران: زوار،
- ۲- ... (۱۳۵۱). از صبا تا نیما. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- ۳- آصف الحکما، محمدهاشم. (۱۳۳۷). رستم التواریخ، محمد مشیری تهران، انتشارات البرز.
- ۴- اندوهجردی، حسین. (۱۳۷۸). طنز و طنزپردازان در ایران. تهران: صدوق.
- ۵- بیابانکی، سعید. (۱۳۹۰). «ضد حالات»، تهران، انتشارات مروارید.
- ۶- ... (۱۳۹۳). «سکته ملیح»، تهران، انتشارات شهرستان ادب.
- ۷- ... (۱۳۹۱). «هی شعر تر انگیزد»، مشهد، انتشارات سپیده باوران.
- ۸- جوادی، حسن. (۱۳۸۴). تاریخ طنز در ادبیات فارسی. تهران: کاروان، چاپ اول،
- ۹- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). آشنایی با نقد ادبی، تهران، نشر سخن.
- ۱۰- ... (۱۳۸۱). شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، تهران: علمی.
- ۱۱- سیاسی، علی اکبر (۱۳۳۷) منطق و فلسفه، تهران، انتشارات البرز.
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). صورخیال در شعر فارسی، تهران، نشر نو.
- ۱۳- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۸). شرح منظومه ظهر (نقد و تحلیل های شعرهای عاشورایی از آغاز تا امروز، چاپ دوم، تهران: مجمع فرهنگ عاشورا.

